



### سیمای سوره منافقون

این سوره همانند سوره جمعه، یازده آیه دارد و در مدینه نازل شده است. بیان ویژگی‌های منافقان، اختصاص به این سوره ندارد و در بسیاری از سوره‌های قرآن، به ویژه سوره‌های مدنی، به ویژگی‌های روحی و رفتاری آنان اشاره شده است. جامع‌ترین سوره در باره منافقان، سوره توبه است که در حدود یکصد آیه به بیان ویژگی‌های آنان پرداخته است.

تلاوت آن در نماز جمعه سفارش شده است. شاید دلیل این تأکید، آن باشد که امت اسلامی همواره مراقب توطئه‌های منافقان باشند. در کتب فقهی مانند جواهر الکلام آمده است: اگر امام جمعه بعد از سوره حمد، سوره دیگری را شروع کرد، تا زمانی که به نیمه آن نرسیده، می‌تواند عدول کند و سوره منافقون را بخواند مگر آن که سوره‌ای که شروع کرده، جمعه یا توحید باشد.

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿۱﴾ إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ

لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ

هنگامی که منافقان نزد تو آیند، گویند: «گواهی می‌دهیم که تو پیامبر خدا هستی» و خدا می‌داند که تو پیامبرش هستی و خدا شهادت می‌دهد که منافقان دروغ‌گویند.

## نکته‌ها:

□ «نفاق» از «نَفَق»، به معنای تونل‌های زیرزمینی است که برای استتار یا فرار از آن استفاده می‌شود. بعضی از حیوانات مثل موش صحرایی و سوسمار، لانه‌هایی برای خود درست می‌کنند که دو سوراخ دارد. منافق نیز، راه پنهان و مخفی برای خود قرار می‌دهد تا به هنگام خطر از طریق آن فرار کند.

□ مردم چهار دسته هستند:

الف) گروهی قلباً ایمان دارند و به وظیفه خود عمل می‌کنند که اینان مؤمن واقعی هستند.

ب) گروهی قلباً ایمان دارند، ولی اهل عمل نیستند که این دسته فاسق‌اند.

ج) گروهی قلباً ایمان ندارند، ولی در ظاهر، رفتار مؤمنان را انجام می‌دهند که منافق‌اند.

د) گروهی نه قلباً ایمان دارند و نه به وظیفه عمل می‌کنند که این دسته کافرند.<sup>(۱)</sup>

□ حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: نفاق انسان، برخاسته از احساس حقارتی است که از درون دارد. «نفاق المرء ذلّ یجده فی نفسه»<sup>(۲)</sup>

## ویژگی‌های منافق در قرآن

۱. دروغ‌گویی: ﴿انّ المنافقین لکاذبون﴾<sup>(۳)</sup>
۲. بی‌هدف و سرگردان: ﴿لا الی هؤلاء و لا الی هؤلاء﴾<sup>(۴)</sup> نه با این گروه و نه با آن گروه‌ها.
۳. عدم درک عمیق: ﴿لکن المنافقین لا یفقهون﴾<sup>(۵)</sup>
۴. جمود و عدم انعطاف: ﴿کانتهم خُشب مسنّدة﴾<sup>(۶)</sup>
۵. نماز بی‌نشاط: ﴿قاموا کسالی﴾<sup>(۷)</sup> با کسالت به نماز می‌ایستند.
۶. تندگویی و تندخویی: ﴿سلقوکم بالسنّة حداد﴾<sup>(۸)</sup> زبان‌های تند و خشن را به شما می‌کشایند.
۷. سوگند دروغ: ﴿اتخذوا ایمانهم جُتّة﴾ سوگندهایشان را سپر توطئه‌هایشان قرار دادند.
۸. انتقاد از رهبر معصوم: ﴿یلمزک فی الصدقات﴾<sup>(۹)</sup> در تقسیم زکات، نیش می‌زنند و تو را در

۱. تفسیر اثنی‌عشری.	۲. غررالحکم.	۳. منافقون، ۱.
۴. نساء، ۱۴۳.	۵. منافقون، ۷.	۶. منافقون، ۴.
۷. نساء، ۱۴۲.	۸. احزاب، ۱۹.	۹. توبه، ۵۸.

تقسیم آن عادل نمی‌دانند.

۹. تضعیف رزمندگان: ﴿لَا تَنْفَرُوا فِي الْحَرِّ﴾<sup>(۱)</sup> می‌گویند: هوا گرم است، به جبهه نروید.
  ۱۰. ایجاد مرکز توطئه به نام مسجد: ﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضُرَارًا﴾<sup>(۲)</sup> (در برابر مسجد پیامبر) مسجدی می‌سازند تا (با توطئه‌های شوم خود) به مسلمانان ضرر بزنند.
  ۱۱. پیمان شکنی: ﴿وَمِنْهُمْ مَن عَاهَدَ اللَّهُ لئن آتانا من فضله لنصدقنَّ و لنكوننَّ من الصَّالِحِينَ فلما آتاهم من فضله بخلوا﴾<sup>(۳)</sup> بعضی از آنان با خداوند پیمان بستند که اگر از فضلش به ما داد حتماً صدقه می‌دهیم و از افراد صالح خواهیم بود، پس چون خداوند از فضلش به آنان عطا کرد، بخل ورزیدند و زکات مال خود را ندادند.
  ۱۲. تحقیر مسلمانان: ﴿أَمْ نَوْمَن كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ﴾ آیا همچون سفیهان ایمان بیاوریم؟
  ۱۳. محاصره اقتصادی مسلمانان: ﴿لَا تَنْفَقُوا عَلٰی مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا﴾ به اطرافیان پیامبر چیزی ندهید تا از دور او پراکنده شوند.
  ۱۴. فریب‌کاری و نیرنگ‌بازی: ﴿يُحَادِّثُونَ اللَّهَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ مَا يُحَدِّثُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ﴾<sup>(۴)</sup> می‌خواهند خدا و مؤمنان را فریب دهند، در حالی که جز خودشان را فریب نمی‌دهند.
  ۱۵. بخل در انفاق: ﴿لَا يَنْفِقُونَ إِلَّا وَ هُمْ كَارِهُونَ﴾<sup>(۵)</sup> جز با کراهت انفاق نمی‌کنند.
  ۱۶. امر به زشتی‌ها و نهی از خوبی‌ها: ﴿يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ﴾<sup>(۶)</sup>
  ۱۷. فرار از جهاد: ﴿فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَ كَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا﴾<sup>(۷)</sup> بازماندگان (از جنگ تبوک) از مخالفت با رسول خدا خوشحالند و از اینکه به جهاد بروند، ناراحت.
  ۱۸. شایعه پراکنی: ﴿وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ﴾<sup>(۸)</sup> هرگاه خبری از آرامش یا ترس را دریافت کنند، (قبل از تحقیق یا مصلحت‌سنجی) آن را پخش می‌کنند.
- چون خطر منافقان زیاد است، ویژگی‌های آنان در سوره‌های متعدّد قرآن مطرح شده است و کمتر سوره‌ای در مدینه نازل شده که با صراحت یا کنایه به منافقان اشاره نشده باشد.<sup>(۹)</sup>

۱. توبه، ۸۱.	۲. توبه، ۱۰۷.	۳. توبه، ۷۵-۷۶.
۴. بقره، ۹.	۵. توبه، ۵۴.	۶. توبه، ۶۷.
۷. توبه، ۸۱.	۸. نساء، ۸۳.	۹. تفسیر فی ظلال القرآن.

□ نفاق یک دروغ عملی است، کتمان کفر و اظهار ایمان است؛ البته هر کتمانی بد نیست، مانند کتمان فقر یا کتمان عبادت.

□ منافقان دو گروه بودند: گروهی که پس از به قدرت رسیدن اسلام، اظهار ایمان کردند ولی در درون ایمان نداشتند و گروه دیگر کسانی که از ابتدا ایمان آوردند ولی کم‌کم گرفتار دنیا شدند و ایمان خود را از دست دادند، ولی تظاهر به ایمان می‌کردند. امت اسلامی همواره از هر دو گروه ضربه‌های جبران ناپذیری خورده است.

□ در زمان پیامبر اکرم ﷺ سخن از منافقان زیاد بود، ولی بعد از رحلت آن حضرت، مسئله مسکوت ماند. در اینجا چند سؤال است:

۱. آیا زنده بودن حضرت سبب نفاق گروهی بود و بعد از رحلت، همه مؤمن واقعی شدند؟!
۲. آیا منافقان در همان اقلیتی بودند که دور حضرت علی جمع شده بودند؟! نظیر سلمان، ابوذر، مقداد و...، در حالی که هیچ کس این افراد را منافق ندانسته است، یا منافقان، اهداف خود را در نظر اکثریت یافته و ساکت شدند؟

□ منافقان، هم در دنیا دروغگویند: «انّ المنافقین لکاذبون»، هم در آخرت سوگندهایی می‌خورند که خداوند آنان را دروغگو می‌نامد: «یوم یبعثهم الله جمیعاً فیحلفون له کما یحلفون لکم و یحسبون انهم علی شیء الا انهم هم الکاذبون»<sup>(۱)</sup>

□ پیامبر ﷺ فرمود: من از مؤمن و کافر نمی‌ترسم، ولی از منافق می‌ترسم.<sup>(۲)</sup> از سوی دیگر فرمود: من از فقر امت نمی‌ترسم از بی‌تدبیری آنان می‌ترسم.<sup>(۳)</sup> آری اگر منافقان رند با جاهلان بی‌تدبیر گره بخورند، جنگ صفین و واقعه کربلا پیش می‌آید.

### پیام‌ها:

- ۱- در صدر اسلام، عناصر منافقی بودند که تا مرکز تصمیم‌گیری جامعه نفوذ کرده حتی پیامبر در معرض توطئه‌های آنان بود. «اذا جاءک المنافقون»
- ۲- منافق، از کلمه حق، استفاده باطل می‌کند. «قالوا نشهد انک لرسول الله»

۱. مجادله، ۱۸. ۲. نهج البلاغه، نامه ۲۷. ۳. عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۳۹.

۳- شعارها و کلمات حق را از دست ناهلان بگیرید و خود بکار برید. «قالوا نشهد انک لرسول الله و الله يعلم انک لرسوله»

۴- چرب زبانی و چاپلوسی، شیوه منافقان است. «نشهد انک لرسول الله»

۵- منافقان با تأکید و سوگند حرف می‌زنند تا شنونده، سخن آنها را باور کند. «نشهد انک لرسول الله»

۶- تأکید را با تأکید پاسخ دهید. «نشهد انک لرسول... والله يشهد ان المنافقين لكاذبون»

۷- به هر اظهار ارادت و ادعای حمایت دل خوش نکنید. «نشهد انک لرسول... لكاذبون»

۸- منافقان را رسوا کنید. «والله يشهد ان المنافقين لكاذبون»

۹- بر خلاف اعتقاد، سخن گفتن دروغ است، گرچه آن سخن راست باشد.

(خداوند، سخن منافقان را که به پیامبر اسلام می‌گفتند: تو پیامبر خدا هستی،

دروغ می‌داند، چون آنان بر خلاف اعتقاد خود می‌گفتند، گرچه در واقع پیامبر

رسول خدا بود). «قالوا نشهد... والله يشهد ان المنافقين لكاذبون»

۱۰- ایمان واقعی، اعتقاد قلبی است نه اقرار زبانی. «قالوا... ان المنافقين لكاذبون»

﴿ ۲ ﴾ اِتَّخَذُوا اٰیْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اَللّٰهِ اِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوْا

يَعْمَلُوْنَ ﴿ ۳ ﴾ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ اٰمَنُوْا ثُمَّ كَفَرُوْا فَطُبِعَ عَلٰی قُلُوْبِهِمْ فَهُمْ

لَا يَفْقَهُوْنَ

سوگندهای خود را سپر ساخته و (مردم را) از راه خدا باز داشتند، به راستی آنچه

انجام می‌دهند ناپسند است. آن (نفاق) برای آن است که آنان ایمان آورده سپس

کفر ورزیدند، پس بر دل‌هایشان مهر (شقاوت) زده شد و از این رو نمی‌فهمند.

### نکته‌ها:

□ «جُنَّة» به معنای سپر است که بدن را از تیر دشمن می‌پوشاند؛ «مجنون» به کسی گویند که

عقلش پوشیده شده باشد؛ «جن» به موجود پوشیده از چشم مردم و «جنین» به بچه پوشیده

در رحم مادر گویند و «جَنَّة» باغی که سایه و شاخه درختانش، زمین آن را پوشانده باشد.

□ قرآن، بارها از سوگندهای دروغ منافقان سخن به میان آورده است: آنان سوگند یاد می‌کنند تا شما را راضی کنند. ﴿يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيَرْضَوْكُمْ﴾<sup>(۱)</sup>؛ سوگند یاد می‌کنند که ما جز خیرخواهی هدفی دیگر برای ساختن مسجد ضرار نداشتیم. ﴿لِيَحْلِفُوا أَن أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى﴾<sup>(۲)</sup>؛ آنان برای شما سوگند می‌خورند که ما توان شرکت در جنگ (تبوک) را نداشتیم و گرنه شرکت می‌کردیم. ﴿وَ سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوْ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ﴾<sup>(۳)</sup>

□ در سراسر قرآن، هر کجا نام منافقان مطرح شده، تعابیر تندی وارد شده است از جمله: ﴿طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ﴾ خداوند بر دل‌های آنان مهر زده است؛<sup>(۴)</sup> ﴿لَا يَفْقَهُونَ﴾ آنان شناخت ندارند؛<sup>(۵)</sup> ﴿لَا يَعْلَمُونَ﴾ آنان نمی‌دانند؛<sup>(۶)</sup> ﴿لِكَاذِبُونَ﴾ آنان دروغ می‌گویند؛<sup>(۷)</sup> ﴿مَا يَشْعُرُونَ﴾ آنان درک ندارند؛<sup>(۸)</sup> ﴿مُفْسِدُونَ﴾ فسادگرند؛<sup>(۹)</sup> ﴿فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾<sup>(۱۰)</sup> در سرکشی خود سر درگمند؛ ﴿مَا كَانُوا مَهْتَدِينَ﴾<sup>(۱۱)</sup> آنان هدایت یافته نیستند؛ ﴿لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ﴾<sup>(۱۲)</sup> خداوند هرگز آنان را نمی‌بخشد.

□ بستن راه خداگاهی به دست منافقان است که از طریق سوگند انجام می‌گیرد. ﴿إِيْمَانِهِمْ جَنَّةٌ فَصَّدُوا...﴾ و گاهی به دست کفار است که از طریق بودجه‌ها انجام می‌شود. ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَنْتَفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصِدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾<sup>(۱۳)</sup> همانا کسانی که کفر ورزیدند اموال خود را برای باز داشتن مردم از راه خدا هزینه می‌کنند.

□ منافقان، از هر طریقی که بتوانند راه خدا را می‌بندند، نظیر: شکستن وحدت مسلمانان با ساختن مسجد ضرار، ضربه نظامی به بهانه هوای گرم، ضربه اقتصادی با نهی از کمک به اطرافیان پیامبر، ضربه جانی با توطئه شهادت امام حسن و امام جواد علیهما السلام از طریق همسر. □ رهبر جامعه اسلامی، بیش از همه باید مراقب توطئه‌های منافقان باشد. در این سوره

۱. توبه، ۶۲.	۲. توبه، ۱۰۷.	۳. توبه، ۴۲.
۴. محمد، ۱۶.	۵. منافقون، ۳.	۶. توبه، ۹۳.
۷. منافقون، ۱.	۸. بقره، ۹.	۹. بقره، ۱۲.
۱۰. بقره، ۱۵.	۱۱. بقره، ۱۶.	۱۲. منافقون، ۶.
۱۳. انفال، ۳۶.		

شخص پیامبر مخاطب قرار گرفته است، گرچه همه مسلمانان مسئولند: ﴿اِذَا جَاءَكَ، نشهد انک، رأیتهم، تعجبک اجسامهم، تسمع لقولهم، فاحذرهم، استغفرت لهم﴾

### پیام‌ها:

- ۱- سوء استفاده از مقدّسات و استفاده ایزاری از ارزش‌ها، شیوه منافقان است. ﴿اتَّخِذُوا اِيْمَانِهِمْ جُنَّةً﴾
- ۲- کار فرهنگی منافقان، استفاده از دین علیه دین است. ﴿اتَّخِذُوا اِيْمَانِهِمْ جُنَّةً... فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ﴾
- ۳- منافقان در تلاشند تا دیگران را از هدایت الهی محروم سازند. ﴿فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ﴾ (هدف منافقان، بستن راه خداست، اما اینکه مردم به چه راه دیگری بروند، مهم نیست.)
- ۴- عملکرد منافقان، سراسر زشت و ناپسند است. ﴿سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾
- ۵- سرانجام نفاق، کفر است. ﴿ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ آمَنُوْا ثُمَّ كَفَرُوْا﴾
- ۶- انسان با نفاق، بر قلب خود مهر می‌زند و آن را از درک حقایق محروم می‌سازد. ﴿فَطَبَعَ عَلٰی قُلُوْبِهِمْ فِهْمًا لَا يَفْقَهُوْنَ﴾

﴿ ۴ ﴾ وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهِمْ خَشَبٌ مُّسْنَدَةٌ يَّخْسَبُونَ كُلٌّ صَيْحَةٌ عَلَيْهِمْ هُمْ أَعْدَاؤُ فَاحْذَرُهُمْ قَاتِلَهُمُ اللّٰهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ

و هرگاه آنان را ببینی، قیافه آنان (چنان آراسته است) که ترا به شگفت وادارد و اگر سخن گویند، (به قدری جذاب و زیباست که) به کلامشان گوش فرادهی، گویا چوب‌هایی هستند (خشک و بی‌مغز و بی‌فایده و به هم) تکیه داده شده، هر ندایی را علیه خود می‌پندارند، آنان دشمنند، پس از آنان دوری کن، خدا آنان را بکشد، چگونه از حق منحرف می‌شوند.



## نکته‌ها:

- در سوره توبه، خداوند به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: اموال و اولاد منافقان ترا به شگفتی نیندازد، در این جا می‌فرماید: قیافه و بیان آنان سبب شگفتی شما نشود.
- گرچه در این آیه، مخاطب پیامبر اکرم ﷺ است ولی مراد تمام مسلمانان هستند که ممکن است ظواهر و بیان منافقان آنان را تحت تأثیر قرار دهد.
- پیامبر اکرم ﷺ فرمود: مؤمن چهار دشمن دارد: مسلمانی که به او حسد می‌ورزد: «مؤمن یحسده»، منافقی که کینه او را در دل دارد: «منافق یبغضه»، شیطانی که او را گمراه می‌کند: «شیطان یضله»، کافری که به جنگ او می‌آید: «کافر یقاتله».<sup>(۱)</sup>
- چوب اگر در سقف و دیوار و در و پنجره به کار رفته باشد مفید است، ولی اگر آن را در کناری به چیزی تکیه دهند، نشانه بلا استفاده بودن آن است. ﴿خشبٌ مسندة﴾
- تشبیه منافقان به تنه‌های بریده شده درخت، ﴿کانهم خشب مسندة﴾، از جهاتی می‌تواند باشد از جمله: ۱. سبکی و پوکی و شکسته شدن در برابر فشار و ضربه؛ ۲. جمود و خشکی و عدم انعطاف و تأثیر پذیری؛ ۳. عدم استقلال در ایستادن روی پای خود؛ ۴. عدم قدرت بر شنیدن و اندیشیدن.
- منافقان، از مؤمنان دلهره دارند و همواره نگرانند که مبدا آیه‌ای درباره آنان نازل شود: ﴿یحسبون کلّ صیحة علیهم﴾ نظیر آیه ۶۴ توبه که می‌فرماید: ﴿یحذر المنافقون ان تنزل علیهم سورة تنبئهم بما فی قلوبهم﴾
- ﴿هم العدو﴾ یعنی دشمن واقعی این افراد هستند، زیرا اولاً درون جامعه هستند و از اسرار مسلمانان آگاهند، ثانیاً چون در لباس دوست هستند شناخت آنان مشکل است، ثالثاً چون ناشناخته‌اند مبارزه با آنان سخت‌تر است، رابعاً چون پیوندهای نسبی و سببی با مسلمانان دارند برخورد با آنان پیچیده‌تر است و خامساً ضربه آنان غافلگیرانه‌تر است.

---

۱. نهج الفصاحه، ص ۴۸۱.

## پیام‌ها:

- ۱- منافقان، در میان ما و جلو چشمان ما هستند، نه افرادی دور از چشم. ﴿رَأَيْتَهُمْ﴾
- ۲- به هر قیافه‌ای اعتماد نکنیم که قیافه زاهدانه دلیل تقوا نیست. در برخی موارد، ظاهر زیبا وسیله فریب مردم است. ﴿تَعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ﴾
- ۳- اگر هشدارهای الهی و توجه پیامبر نباشد، سخنان زیبا و فریبنده، حتی پیامبر را به شنیدن و اداری می‌کند. ﴿وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ﴾
- ۴- منافقان، ظاهری آرام، ولی باطنی پر دغدغه دارند و همیشه در وحشت و اضطرابند. ﴿تَعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ... يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ﴾
- ۵- از دشمن داخلی بیشتر بترسید. ﴿هُمُ الْعَدُوُّ﴾
- ۶- دشمن را بشناسیم و فریب ظاهر و سخنان او را نخوریم. ﴿تَعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ... تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ... هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرَهُمْ﴾
- ۷- منافقان با خدا درگیرند و خدا نیز آنها را لعنت می‌کند: ﴿قَاتِلْهُمْ اللَّهُ﴾. («قاتل» از باب مفاعله در مورد درگیری طرفینی است و لذا نفرمود: «قتلهم الله»)
- ۸- موضع‌گیری منافقان در برابر اسلام، شگفت آور است. ﴿أَنْتَ تُوفِّكُونَ﴾

﴿ ۵ ﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّأُ رُءُوسَهُمْ وَ

رَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ

و هرگاه به آنان گفته شود: بیایید تا رسول خدا برای شما طلب مغفرت کند، (از روی انکار و تکبر و تمسخر) سرهای خود را بر می‌گردانند و آنان را می‌بینی که از سر استکبار، (مردم را از گرایش به حق) باز می‌دارند.

﴿ ۶ ﴾ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

برای آنان تفاوتی ندارد که برایشان استغفار کنی یا استغفار نکنی، هرگز خداوند آنان را نمی‌بخشد، زیرا که خداوند گروه فاسق را هدایت نمی‌کند.

### نکته‌ها:

- «تعالوا» از ریشه «علو» به معنای دعوت به آمدن به سوی بلندی و رشد است.
- «لَوُوا» از ریشه «لوی» به معنای تابیدن طناب و در مورد سرتابیدن از حق به کار می‌رود.
- بالاترین بدبختی آنست که انسان هم خودش را محروم کند: «لَوُوا رُؤْسَهُمْ» هم دیگران را محروم نماید: «یصدون»؛ به خصوص اگر این کارها آگاهانه باشد. «و هم مستکبرون»
- مشابه آیه ۶ را در آیه ۸۰ سوره توبه نیز می‌خوانیم: «استغفر لهم او لا تستغفر لهم سبعین مرّة فلن یغفر الله لهم» اگر برای منافقانی که به مؤمنان نیش می‌زنند، هفتاد بار هم استغفار کنی، (تا وقتی که دست از نفاقشان برندارند) هرگز خداوند آنان را نمی‌بخشد.

### پیام‌ها:

- ۱- به سراغ افراد منحرف رویم و از آنان برای توبه و تجدید حیثیت دعوت کنیم.  
«و اذا قیل لهم تعالوا یتستغفر لکم...»
- ۲- اجابت دعوت اولیای الهی، مایه علو و رشد است. «تعالوا»
- ۳- دعای اولیای خدا در مورد بخشش گنهکاران، مستجاب است. «یتستغفر لکم»
- ۴- توسّل به پیامبر خدا جایز است. «تعالوا یتستغفر لکم رسول الله»
- ۵- سر باز زدن از پیشنهاد مفید، نشانه تکبر است. «لَوُوا رُؤْسَهُمْ... و هم مستکبرون»
- ۶- کسی که دعوت حق را نمی‌پذیرد، حتی دعای پیامبر درباره او کارساز نیست.  
«تعالوا... لَوُوا رُؤْسَهُمْ... سواء علیهم استغفرت لهم...»
- ۷- تکبر و استکبار، انسان را از رحمت بی‌پایان الهی محروم می‌سازد. «هم مستکبرون... لن یغفر الله لهم»
- ۸- هدایت و ضلالت به دست خداوند است، ولی او کسی را از هدایت محروم می‌کند که به دنبال فسق و گناه باشد. «ان الله لا یمهدی القوم الفاسقین»

﴿۷﴾ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا  
وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ

آنان همان کسانی هستند که می‌گویند: بر کسانی که نزد رسول خدا هستند، انفاق نکنید تا پراکنده شوند؛ در حالی که خزانه‌های آسمان‌ها و زمین برای خداوند است ولی منافقان نمی‌فهمند.

### نکته‌ها:

□ «خزائن» جمع «خزینة» به معنای گنجینه است.

□ از شیوه‌های برخورد دشمن، محاصره اقتصادی و در تنگنا قرار دادن مؤمنان است. چنانکه منافقان به یکدیگر می‌گفتند: به یاران پیامبر کمک نکنید تا از دور او پراکنده شوند. معاویه نیز در بخشنامه‌ای دستور داد یاران علی علیه السلام را از بیت المال محروم کنند. «انظروا من قامت عليه البيّنة انه يحبّ علياً و اهل بيته فامحوه من الديوان و اسقطوا عطائه و رزقه»<sup>(۱)</sup> همان‌گونه که در کربلا نیز آب را بر یاران امام حسین بستند و امروزه ابرقدرت‌ها برای به تسلیم کشاندن کشورها از فشار محاصره اقتصادی استفاده می‌کنند.

### پیام‌ها:

- ۱- یکی از راه‌های دشمن برای شکستن مکتب و رهبر، پراکنده کردن پیروان است. ﴿لَا تَنْفِقُوا... حَتَّىٰ يَنْفَضُوا﴾
- ۲- افراد مادی تحلیل مادی دارند و فکر می‌کنند مردم برای دنیا دور پیامبر جمع شده‌اند، لذا می‌گویند: کمک نکنید تا پراکنده شوند. ﴿لَا تَنْفِقُوا... حَتَّىٰ يَنْفَضُوا...﴾
- ۳- مؤمنان نباید در تنگناها، چشم‌امیدی به کمک‌های منافقان و مخالفان داشته باشند، بلکه باید توکل آنان به خداوند و گنجینه‌های او باشد. ﴿لَا تَنْفِقُوا... لِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾

۱. شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۱، ص ۴۴.

۴- به خودی‌ها امید دهید و سخنان یاوه دشمن را پاسخ دهید. ﴿لَاتَنْفِقُوا... وَلِلّٰهِ خَزَائِنُ...﴾

۵- فهم منافقان، بر اساس محاسبات ظاهری است و عمق ندارد. ﴿لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ﴾

﴿۸﴾ يَقُولُونَ لَئِن رَّجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ

می‌گویند: «اگر (از این سفر جنگی) به مدینه بازگردیم، عزیزترین افراد، ذلیل‌ترین مردم را بیرون خواهد کرد»، در حالی که عزت و اقتدار مخصوص خدا و پیامبرش و مؤمنان است، ولی منافقان نمی‌دانند.

### نکته‌ها:

□ در تفاسیر، برای آیات پنجم تا هشتم سوره منافقون، شأن نزول مفصلی آمده است که آن را به طور خلاصه نقل می‌کنیم: بعد از جنگ بنی المصطلق که در سال ششم هجری اتفاق افتاد، هنگام بازگشت به مدینه، میان دو نفر از مسلمانان که یکی از مهاجران و دیگری از انصار بود، بر سر آب‌گیری از چاه نزاع شد و هر یک برای غلبه بر دیگری از دوستان خود کمک خواست. عبدالله بن اُبی که سر کرده منافقان بود به کمک مرد انصاری شتافت و گفت: ما مهاجران را مسکن و مال دادیم، ولی حالا در برابر ما می‌ایستند. اگر به مدینه برگردیم، عزیزان، ذلیل‌ها را بیرون خواهند کرد.

زیدبن ارقم که جوانی نورسته بود، این گفته را به پیامبر گزارش داد. حضرت، عبدالله بن اُبی را احضار کرد ولی او انکار نمود. انصار گفتند: چرا به خاطر گزارش یک نوجوان، بزرگ ما، عبدالله توبیخ شود؟

پیامبر فرمان حرکت داد و اجازه دستور استراحت نداد تا مردم فرصت و فراغت برای ادامه حرف‌ها نداشته باشند، هنگامی که به مدینه رسیدند فرزند عبدالله بن اُبی که از مؤمنان واقعی بود، راه را بر پدر بست و گفت: آیا تو عزیزترین مدینه‌ای و می‌خواهی پیامبر را خارج

کنی؟ هرگز نمی‌گذارم وارد شوی، مگر آنکه پیامبر اکرم اجازه دهد.

مسئله را به پیامبر گزارش دادند و حضرت اجازه ورود او را به مدینه داد، عبدالله که خود را عزیز می‌پنداشت، ذلیل شد و از شدت خجالت در خانه ماند تا آنکه مرد و هرگاه به او گفته می‌شد بیا نزد پیامبر برویم و عذرخواهی کن، او سرپیچی می‌کرد.

□ امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند امور مسلمانان را به خودشان واگذارده ولی اجازه ذلیل کردن خود را به آنان نداده است: «و لم یفوض الیه ان یکون ذلیلاً»<sup>(۱)</sup>، سپس آیه «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ» را تلاوت فرمود.

□ در حدیث می‌خوانیم که پرسیدند: چگونه مؤمن خود را ذلیل می‌کند؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «یتعزّض لما لا یطیق» و «یدخل فیما یتعذر منه»<sup>(۲)</sup> در کاری که توان انجامش را ندارد و از انجامش معذور است وارد می‌شود.

□ در عبارت «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ»، چون «لِلَّهِ» مقدم بر «الْعِزَّةُ» شده است، انحصار استفاده می‌شود، یعنی عزّت واقعی مخصوص خداست.

□ عزّت خداوند، ذاتی اوست و عزّت پیامبر، به دلیل عنایات ویژه خداوند به او و عزّت مؤمنان، به خاطر وعده الهی بر نصرت و پیروزی نهایی آنان است.<sup>(۳)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- منافقان، در صدد براندازی حکومت اسلامی هستند. «لیخرجنّ الاعزّ منها الاذلّ»
- ۲- منافقان، خود را عزیز و پیامبر و مؤمنان را ذلیل می‌دانند. «لیخرجنّ الاعزّ منها الاذلّ»
- ۳- خداوند، پیروزی و عزّت مؤمنان را به شرط مؤمن ماندن تضمین کرده است. «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ ...»
- ۴- عزّت، در انحصار خدا، پیامبر و مؤمنان است. «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ»

۲. تفسیر نورالثقلین.

۱. کافی، ج ۵، ص ۶۳، به نقل از تفسیر راهنما.

۳. تفسیر اطیب البیان.

۵ - به یاوه سرایی دشمن پاسخ دهید و به کسانی که خود را عزیزترین مردم و پیامبر را ذلیل‌ترین می‌پندارند بگویید: ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾  
 ۶ - منافقان از شناخت حقایق عاجزند. نه قدرت درک این مطلب را دارند که خداوند در برابر تحریم اقتصادی، مؤمنان را روزی می‌دهد: ﴿لَا يَفْقَهُونَ﴾ و نه اینکه عزت حقیقی از آن اهل ایمان است. ﴿لَا يَعْلَمُونَ﴾

﴿ ۹ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال و اولادتان شما را از یاد خدا غافل نسازد و کسانی که چنین کنند، آنان همان زیانکارانند.

### نکته‌ها:

□ تا اینجا آیات مربوط به منافقان به پایان رسید، ولی چون یکی از عوامل نفاق، علاقه زیاد به دنیاست، این آیه به مؤمنان هشدار می‌دهد که اموال و اولاد، شما را غافل نکند.<sup>(۱)</sup>

### غفلت از یاد خدا

□ عوامل بازدارنده از یاد خدا بسیار است، ولی مهم‌ترین آنها، اموال و اولاد است که این آیه به آنها اشاره نموده است. ﴿لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ﴾  
 شراب و قمار نیز مانع یاد خداست. ﴿يُضِلُّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ﴾<sup>(۲)</sup>  
 تجارت و داد و ستد نیز می‌تواند از موانع باشد. لذا قرآن از کسانی که داد و ستد، آنان را از یاد خدا باز نداشته ستایش کرده است. ﴿رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ﴾<sup>(۳)</sup>  
 تکاثر و فزون‌طلبی از عوامل بازدارنده است. ﴿الْهَاطِكُمُ التَّكَاثُرُ﴾<sup>(۴)</sup>  
 آرزوهای طولانی نیز مانع یاد خداست. ﴿يَلْبَهُمُ الْأَمَلُ﴾<sup>(۵)</sup>

۳. نور، ۳۷.

۲. مائده، ۹۱.

۱. تفسیر نمونه.

۵. حجر، ۳.

۴. تکاثر، ۱.

رفاه‌زدگی از عوامل دیگر غفلت است. ﴿مَتَّعْتَهُمْ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا الذِّكْرَ﴾<sup>(۱)</sup> البته علاقه به دنیا آنگاه خطرناک است که انسان، دنیا را مقدمه آخرت نبیند و هدفش در تمام کارها، دنیا باشد. ﴿فَاعْرُضْ عَنَّا مَنْ تَوَلَّىٰ عَنَّا ذِكْرَنَا وَ لَمْ يَرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا﴾<sup>(۲)</sup> از کسی که از یاد ما اعراض کرده و جز زندگی دنیا اراده‌ای ندارد، دوری کن.

روشن است که غفلت از یاد خدا، سبب هم‌نشینی با شیطان شده: ﴿وَمَنْ يَعِشْ عَنِ الذِّكْرِ الرَّحْمَنِ نَقِضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ﴾<sup>(۳)</sup> و انسان را به عذاب شدید و فزاینده‌ای گرفتار می‌سازد. ﴿وَمَنْ يُعْرِضْ عَنَّا ذِكْرَ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا﴾<sup>(۴)</sup>

□ آنچه خطرناک است غفلت از یاد خداست، نام بردن از اموال و اولاد، به خاطر آن است که این دو قوی‌ترین عامل غفلت هستند.

□ ﴿ذِكْرَ اللَّهِ﴾ شامل همه‌گونه ذکر و یاد خدا می‌شود، اما بارزترین ذکر خدا، نماز است که باید مراقب بود رسیدگی به اموال و اولاد انسان را از نماز باز ندارد.

□ شاید دلیل مانع بودن مال و فرزند، جلوه‌های ظاهری آنهاست که انسان را از خدا غافل می‌سازد. ﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾<sup>(۵)</sup>

□ قرآن، مال و فرزند را مایه فتنه و آزمایش دانسته: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ﴾<sup>(۶)</sup> و می‌فرماید: ﴿وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ﴾<sup>(۷)</sup> مال و فرزند، عامل قرب شما به خداوند نیستند.

### پیام‌ها:

- ۱- برای آن که مؤمنان را موعظه کنید و آنان بپذیرند، به آنان شخصیت دهید. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...﴾
- ۲- لازمه ایمان، برتری دادن یاد خدا بر مال و فرزند است. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...﴾

---

۱. فرقان، ۱۸. ۲. نجم، ۲۹. ۳. زخرف، ۳۶.  
 ۴. جن، ۱۷. ۵. کهف، ۴۶. ۶. انفال، ۲۸.  
 ۷. سبأ، ۳۷.



لا تلهمكم اموالكم... ﴿﴾

۳- مال و فرزند، کم یا زیادش، می تواند مانع یاد خدا باشد. ﴿اموالکم... اولادکم﴾  
 ۴- خسارت واقعی، غفلت از یاد خدا است. ﴿فاولئك هم الخاسرون﴾ (از دست دادن مال و فرزند، خسارت جزئی است، ولی غفلت از خالق خسارت کلی است.)

﴿۱۰﴾ وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِنَ الصَّالِحِينَ

و از آنچه روزی شما کرده ایم انفاق کنید پیش از آنکه مرگ به سراغ هر یک از شما آید، پس (در آستانه رفتن) گوید: پروردگارا چرا (مرگ) مرا تا مدتی اندک به تأخیر نیانداختی تا صدقه (و زکات) دهم و از صالحان گردم.

﴿۱۱﴾ وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

و هرگز خداوند مرگ کسی را که اجلش فرارسیده، به تأخیر نمی اندازد و خداوند به آنچه عمل می کنید آگاه است.

#### نکته‌ها:

□ در آیه هفتم، منافقان می گفتند: به یاران پیامبر کمک نکنید تا دور او را خلوت کنند. شاید این آیه برای خنثی کردن طرح آنان، به مؤمنان می گوید: شما که ایمان دارید به مؤمنان کمک کنید تا دور حضرت خالی نشود.

□ اگر انسان، مرگ و قیامت را باور کند، خیلی راحت انفاق می کند. قرآن، چندین بار برای ایجاد انگیزه انفاق، مسئله معاد و قیامت را مطرح کرده است، از جمله در سوره بقره آیه ۲۵۴ می فرماید: ﴿انفقوا مما رزقناکم من قبل ان یأتی یوم لا بیع فیہ ولا خلة ولا شفاعة﴾ از آنچه به شما داده ایم پیش از آن که قیامت فرارسد که دوستی و داد و ستد و شفاعتی در کار نیست، انفاق کنید.

□ ابن عباس می گوید: این درخواست فرصت در لحظه مرگ، برای کسانی است که زکات مال

خود را نداده‌اند یا مستطیع بوده، ولی حج انجام نداده‌اند.<sup>(۱)</sup>

□ تقاضای مهلت و بازگشت به دنیا پذیرفته نیست، نه در آستانه مرگ، که آیه ۱۰۰ سوره مؤمنون و این آیه می‌فرماید و نه در قیامت که دوزخیان می‌گویند: «ربنا اخرجنا منها فان عدنا فانا ظالمون»<sup>(۲)</sup>

□ امام باقر علیه السلام با استناد به آیه «و لن یُوخر الله نفساً» فرمود: هر سال در شب قدر تمام امور تا شب قدر بعدی، ثبت و حتمی شده و نازل می‌شود و تغییر و تأخیری در آن صورت نمی‌دهد.<sup>(۳)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- برای دعوت مردم به کار خیر، بسترسازی کنید. «انفقوا... من قبل ان یأتی احدکم الموت» (فرا رسیدن مرگ و نداشتن فرصت بازگشت و التماس برای تأخیر مرگ را یادآوری کنید).
- ۲- آنچه داریم از خداست نه از خودمان. «رزقناکم»
- ۳- علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد. «من قبل ان یأتی» (با فرا رسیدن مرگ راه عمل بسته می‌شود)
- ۴- مرگ، بی‌خبر می‌رسد و قابل تأخیر نیست. «یأتی احدکم الموت... لولا اخرتنی»
- ۵- ثروتمندانی که در زمان حیات خود، اهل انفاق نبوده‌اند، به هنگام مرگ، تأسف بسیار خواهند خورد. «ربّ لولا اخرتنی... فاصدق»
- ۶- نشانه شایستگی و صالح بودن، انفاق به محرومان است. «اکن من الصالحین»

«والحمد لله ربّ العالمین»

۳. تفسیر نورالثقلین.

۲. مؤمنون، ۱۰۷.

۱. تفسیر نورالثقلین.